



نگاهی به آسیب‌های دخالت والدین در زندگی جوانان ازدواج کرده

زوجین جوان از والدین خود انتظار رفاقت دارند

■ **مینا محمددوست**

گاهی وقتی مسئله‌ای حل نشده در دل زندگی جای می‌گیرد، معمولاً اولین واکنش‌هایی‌ن اعضای خانواده، استرس و پیامد آن نیز رفتارهای هیجانی است. در این هنگام، ما کمتر انتظار بر خورد‌های منطقی را داریم. پس چه بسا به دنبال این رخداد معمولاً والدین که پاره تن خود را در جریان زببای ازدواج به دست شریک زندگی سپرده‌اند، توان سکوت مقابل مشکلات فرزندان را ندارند هر کدام به نوعی تلاش می‌کنند مشکل پیش آمده را با روش‌های خود حل کنند و چنین استدلالی دارند که نمی‌خواهیم اشتباه ما را تکرار کنند. اما آیا مسائل تمام زندگی‌ها بناست با یک نسخه حل شود؟ آیا ما مطمئنیم که روشمان درست بوده است؟ و اگر درست بوده، آیا در زمان حال نیز با این همه تفاوت در نگرش‌ها، برای فرزندانمان هم مفید است؟ و آیا فرزندان دوست دارند با روش ما مشکلاتشان را حل کنند؟ به شکل تقریبی و آنچه محققان با آمار نشان می‌دهند، با این روش‌ها اکثراً اوضاع پیچیده‌تر می‌شود و متأسفانه گاه جریان به بن‌بست می‌رسد! اما چرا...

■ ■ ■

■ **همراه خوبی برای فرزندانمان باشیم**

طی هر دوره اساس بسیاری از مباحثا تغییر می‌کند. شیوه زندگی عوض شده و طرز فکرها متفاوت می‌شودو این کاملاً طبیعی است. از طرفی گاهی ما به عنوان پدر و مادر، شجاعت و شهامت رها کردن فرزندان، در دل زندگی خودشان را نداریم!این به معنای بی تفاوت بودن نسبت به مشکلاتشان نیست. البته وقتی آنها نیاز به کمکری و دلگرمی دارند، مناسب است حضور عاطفی خود را بر رنک کنیم، مثل یک همسارا! اما یک همراه خوب، هیچ‌گاه بار تمام مسئولیت‌ها را به دوش نخواهد کشید؛ به یاد داشته باشیم هر کدام با نقش و وظیفه‌ای داریم. یکی از وظایف مهم ما این است که از ابتدا فرزندان را به سمت مستقل بودن سوق دهیم، موردی که بیشتر وقت‌ها به فراموشی سپرده می‌شود.

■ **اجازه دهیم فرزندان بزرگ شوند**

شاید بسیاری از ما به دلیل ترس از تنهایی خودمان دو دستی و به قول معروف با طناب‌های نامرئی خود را به فرزندانمان گره می‌زنیم. حال، این روال چه نتیجه‌ای به ارمغان می‌آورد؟ آیا تا حال به کسانی که سشتان می‌گردند و نمی‌توانند حتی در مورد جزئی‌ترین امور هم تصمیمی

بگیرند؟ و فاجه اینجااست که آنها با چنین شخصیت وابسته‌ای باید نسل بعد را تربیت کنند. بنابراین شاید اغراق نباشد اگر از والدین بخواهیم برای کمک به بشريت، اجازه دهند فرزندان برای رفع اختلاف‌های بعد از ازدواجشان خود تصمیم بگیرند یا از مشاور که فردی کاملاً بی طرف است و بناست مینا را بر پایه‌های علمی بنا کند، کمک بخواهند. یادمان باشد ما نباید به خود اجازه دهیم در تمام موانعی که فرزندان پیش‌رو دارند، نقش حل کننده مسئله را به دوش بکشیم. بیایید کمی منطقی به این جریان نگاه کنیم. آیا ما تا ابد زنده‌ایم و در کنارشان هستیم؟ آیا هنگام بروز مشکل، می‌توانیم بدون سوگیری به موضوع پیش آمده، نگاه کنیم و راحل ارائه دهیم؟ نه قطعاً! اینطور نیست و از طرفی حقیقت این است که ما همیشه جوان و با همین اندازه از توان نیستیم. وقتی ما به دوره میانسالی از زندگی خود برسیم، به شکل کلی نیازمان به آسودگی خاطر و استراحت بیشتر است و به طور یقین مثل قبل نمی‌توانیم بار مسائل فرزندان را به دوش بکشیم. حال چه می‌شود؟ اینجا نقطه عطفی است برای فرزدانی که فقط از نظر سنی رشد کرده‌اند و حالا در برابر کوچک‌ترین مشکل، نه بلند قدم مثبتی بردارند، نه فرصت صوری دارند و نه اصلی‌ی داندن چه کنند! این یعنی فاجعه!

■ **با یک دوست واقعی مشورت کنید**

زوج‌های جوان همیشه در نظر داشته باشند موردی که آنها را به چالش در زندگی زناشویی می‌کشانند، تا جایی که به شکل مشکل عمیق نرسیده کاملاً طبیعی است و به یاد داشته باشند، چنانچه هر بار سعی در ایجاد تغییر مثبت داشته باشند، قدمی در جهت گسترده‌تر شدن دامنه مهارت‌های خود برداشته‌اند.

معمولاً خانم‌ها هنگام استرس، مایلند صحبت و دردل کنند. پیشنهاد می‌کنیم در این مواقع با یک دوست (البته کسی که به او از هر جهت اطمینان داریم) کمی صحبت کنند. البته نیازی نیست حتی دوستان ما از کوچک‌ترین اتفاق‌های زندگی مان یا خبر باشند. صحبت‌های کوتاه گاه مایه دلگرمی است، اما یادمان باشد، در هیچ شرایطی در صحبت‌ها شریک زندگی خود را کم قدر جلوه ندهیم. همین طور آگاه باشیم، نقش نفر سومی که باوی صحبت می‌کنیم، نباید تا حدی پررنگ باشد که ما را از همفکری با شریک زندگی دور کند. وظیفه ماست بعد از آرام‌تر شدن مسئله را با شریک زندگی خود حل کنیم.

■ **هنگام عصبانیت با والدین تماس نگیرید**

چه خانم و چه اقا لطفاً هنگام اوج عصبانیت از گوشی

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۸۴۷۱



لطفاً کمی صبور باشید. اگر مدتی است مسائل، حل نشده باقی مانده حتماً از متخصصی که در این حیطه فعالیت می‌کند کمک بگیرید. معمولاً والدین به راحتی متوجه وجود مسئله‌ای می‌شوند و در این موارد جویای احوالات و اوضاع ما هستند. یاد تان باشد در حریم زندگی و مسائل همسران، گاه حتی والدین هم اجازه ورود ندارند

خود نداشتید؟ البته که این تجربه را داشتید. پس چرا با شنیدن کوچک‌ترین ناراحتی در زندگی فرزندان اشتبه می‌شوید؟ مگر دنیا به آخر رسیده است؟ بهتر است به آنها زمان بدهیم. اجازه دهیم فرمول زندگی خود را بیاموزند. ما تجربه‌های خود را داریم و زندگی ما نتیجه رفتارهایی بوده که قبل تر انتخاب کردیم. حال، آياز تمامی جنبه‌های زندگی خود رضایت کامل داریم؟ شاید آنها اصلاً مایل نباشند بعد از سال‌ها به جایی که ما هم طبق همین روال است. باید به آنها اجازه رشد داد. شاید آنها اصلاً مایل نباشند بعد از سال‌ها به جایی که ما هستیم برسند. پس راه را برایشان با نظر دادن‌های بی در پی بندیم. بناست آنها زندگی را به شیوه خود بسازند. کبک و خاک اره و دود سیگار، در شفیت بعد از ظهر میان ملاقه‌ها شعرهای زیادی می‌نوشتم.

هنوز هم بعضی از آن نوشته‌های دوران نوجوانی‌ام دارم و آنها را همراه با چندین دهه کارهای تولد، اظهارنامه‌های مالیاتی و نامه‌های دستنوشته در خانه

امروزی‌ام نگه می‌دارم. در قفسه بالایی: یک جعبه

کفش آسانکشی، چند فلاپی، نوارهای کاست و دی‌وی‌دی (که اکنون دیگر دستگاه‌های لازم برای استفاده از آنها را ندارم). نزدیک آنها: دوربین‌ها و ضبط کننده‌های صدا، هاردهای اکسترنال و کیسول‌های زمان، انواع وسایل و کابل‌ها که به لطف پورت‌ها و فیش‌های دائماً در حال تحول اپل، منسوخ شده‌اند.

شاید شما هم مدی اینچینی یا کشوی مزاحم داشته باشید. آن همه شرکت، دانشگاه و دفاتر دولتی را در نظر بگیرید، میلیون‌ها کمد که وسایل بسری را رنهای می‌کنند، وسيله‌های قدیمی به

دلیل مختلفی تلنبار می‌شوند: نوستالژی، تردید، امنیت اطلاعات، پارانویا و همه ما سرانجام مدیر بایگانی‌های شخصی خودمان می‌شویم. کمد‌ها طی قرن‌ها امکان جمع‌آوری، حفظ و صحنه بیرون نگه‌داشتن نامه‌های رسمی، دستگاه‌های ارتباطی، فایل‌ها و برگه‌ها را به‌وجود آورده‌اند، اما کمد چیزی فراتر از این است. پشت در کمد‌ها، فضایی فعال و مولد وجود دارد که وسيله‌ها آنجا ساخته می‌شوند، جایی که تصاویر غالب زمانه و پریشانی‌های شکل می‌گیرد، جایی که دانش و ذهنیت زاده و متحول می‌شود.

«مخفی‌ترین مکان خانه را که مناسب اتاق‌های کار شخصی‌مان است و با همان دقتی که صرف مهم‌ترین امورمان می‌کنیم، در آن می‌آریم و تأمل می‌کنیم، کمد می‌نامیم.» این را آنجل دی، نویسنده منشی انگلیسی در سال ۱۵۹۲ می‌نویسد. در اروپای دوران رنسانس به اتاق مطالعه‌های خصوصی، «گنج‌های مخصوص وسایل و معماری مکان‌های دانش کمد می‌گفتند. سر ویلیام مور در سال ۱۵۵۶ در یادداشتی شخصی، وسایل کمدرش را برمی‌شمرد: «قشه‌های مختلف، تخته‌سیاه کوچک، یک تقویم ابدی، تخته مخصوص محاسبه، کیسه‌ای از شمارنده‌ها، مرکبان، صندوق‌های کوچک، مجموعه‌ای ترازو و وزنه، یک کره جغرافیایی، فیچی، قطب‌نما، قلم، چکش، جاقوی قلم تراش، خط‌کش یک‌فوتی و تعداد زیادی متون برگزیده انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی و لاتین» که احتمالاً از اکثر اینها با قفل و کلید مراقبت می‌کرده است.

کمد‌ها و گنج‌های وسایل و استودپولی که در داخلی‌ترین قسمت‌های خانه قرار می‌گرفتند «در دل فرهنگی سنتی و تودار از تولید و تبادل دانش جای داشتند. در این مکان‌ها نیز همانند کمد ملاقه‌های مدرم، ارتباطات شخصی تولید می‌شد: نامه، شعر، داستان و نمایشنامه در کمد‌ها نوشته و خوانده می‌شد و داروسازان، ماماها و فیلسوفان تجربی کتاب‌های راهنما و ابزار خاص خود را در کمد‌هایشان نگه می‌داشتند» و گونه‌های جدید چاپی – که خودا گاهانه مجموعه‌های افشاگر بودند- کمد (یا به طور دقیق‌تر، باز شدن آن به سوی عموم) را به منزله سبک خود انتخاب می‌کردند.

خداي ناکرده توبه نکرده از دنيا می روند. رسول خدا(ص) در این خطبه می فرماید: (تا هنگامی که فرصت دارید و در چنین شرایط و بستر مناسبی که برای شما فراهم شده است) از گناهان خود توبه کنید و به سوی خدا باز گردید. در روایت دیگری که در مومر شیخ صدوق در کتاب «من لایضره الفقیه» از پیامبر (اکرم) نقل کرده‌اند آمده است: «هر کس یک سال قبل از مرگ خویش توبه کند خدا توبه اش را می پذیرد.» آنگاه فرمودند: «یک سال زیاد است... هر کس یک ماه قبل از مرگ توبه کند خدا از او قبول می کند.» بعد فرمودند یک ماه نیز زیاد است، هر کسی یک روز قبل از مرگ از گناهان خویش باز گردد و توبه کند مورد عنايت حق تعالی قرار خواهد گرفت. باز فرمودند یک روز هم زیاد است، هر کس یک ساعت پیش از مرگ توبه کند خداوند خواهد پذیرفت. آنگاه فرمودند حتی یک ساعت هم زیاد است، هر کس توبه کند در حالی که جانش به اینجا(شاره به حلق) رسیده باشد خداوند از او خواهد پذیرفت.

چنین جملائی از پیوای اسلام حضرت محمد(ص) بیشترین تغییر را در مسلمانان ایجاد می کند و باعث می شوداز فرصت‌های به وجود آمده نهایت بهره‌برداری را بنمایند تا خدای ناکره بدون امرش الهی از این جهان مفارقت نکنند

«عضو پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی



نگهداری گذشته نوستالژیک در کمد‌های خانه‌ها

گنجینه‌ای به نام کمد!

■ **ناخین: سیمین جم**

تا پیش از دوران تولید انبوه و مصرف گرایی کمد‌ها، مکان نگهداری دانش در خانه اشراف بودند: کتاب‌ها، کاغذ، دوات و دیگر کالاهای دانش‌ورزانه را در آنها نگه می‌داشتند اما رفته‌رفته خانواده‌های معمولی نیز صاحب چیزهایی شدند که لازم بود در جایی ذخیره، پنهان یا نگهداری شوند. بدین ترتیب محتویات کمد‌ها تنوع و جذابیت بیشتری پیدا کرد، جذابیت راز آمیزی که حتی امروزه نیز چیزی از آن کاسته نشده است.

■ ■ ■

در خانه دوران کودکی‌ام، کمد ملاقه‌ها در انتهای راهرو قرار داشت، با دری سفید و کرکره‌ای. آفتاب بعد از ظهر از میان کرکره‌ها داخل می‌تابید و حوله‌ها و ملاقه‌هایی را که روی قفسه‌های آن آویخته شده بود، روشن می‌کرد. به خوبی با محیط صمیمی این فضاخت بودم، چون وقت زیادی را آنجا می‌گذراندم، جایی که اسمش را «دفتر شعر» گذاشته بودم. جاروبرقی را می‌انداختم آن طرف و جعبه ماشین تحریر اسامیت کورونی بدربزرگم را باز می‌کردم. بوی قدیمی اتاق کار زیرزمینی او آزاد می‌شد؛ بوی کبک و خاک اره و دود سیگار، در شفیت بعد از ظهر میان ملاقه‌ها شعرهای زیادی می‌نوشتم.

هنوز هم بعضی از آن نوشته‌های دوران نوجوانی‌ام دارم و آنها را همراه با چندین دهه کارهای تولد، اظهارنامه‌های مالیاتی و نامه‌های دستنوشته در خانه امروزی‌ام نگه می‌دارم. در قفسه بالایی: یک جعبه کفش آسانکشی، چند فلاپی، نوارهای کاست و دی‌وی‌دی (که اکنون دیگر دستگاه‌های لازم برای استفاده از آنها را ندارم). نزدیک آنها: دوربین‌ها و ضبط کننده‌های صدا، هاردهای اکسترنال و کیسول‌های زمان، انواع وسایل و کابل‌ها که به لطف پورت‌ها و فیش‌های دائماً در حال تحول اپل، منسوخ شده‌اند.

شاید شما هم مدی اینچینی یا کشوی مزاحم داشته باشید. آن همه شرکت، دانشگاه و دفاتر دولتی را در نظر بگیرید، میلیون‌ها کمد که وسایل بسری را رنهای می‌کنند، وسيله‌های قدیمی به دلیل مختلفی تلنبار می‌شوند: نوستالژی، تردید، امنیت اطلاعات، پارانویا و همه ما سرانجام مدیر بایگانی‌های شخصی خودمان می‌شویم. کمد‌ها طی قرن‌ها امکان جمع‌آوری، حفظ و صحنه بیرون نگه‌داشتن نامه‌های رسمی، دستگاه‌های ارتباطی، فایل‌ها و برگه‌ها را به‌وجود آورده‌اند، اما کمد چیزی فراتر از این است. پشت در کمد‌ها، فضایی فعال و مولد وجود دارد که وسيله‌ها آنجا ساخته می‌شوند، جایی که تصاویر غالب زمانه و پریشانی‌های شکل می‌گیرد، جایی که دانش و ذهنیت زاده و متحول می‌شود.

«مخفی‌ترین مکان خانه را که مناسب اتاق‌های کار شخصی‌مان است و با همان دقتی که صرف مهم‌ترین امورمان می‌کنیم، در آن می‌آریم و تأمل می‌کنیم، کمد می‌نامیم.» این را آنجل دی، نویسنده منشی انگلیسی در سال ۱۵۹۲ می‌نویسد. در اروپای دوران رنسانس به اتاق مطالعه‌های خصوصی، «گنج‌های مخصوص وسایل و معماری مکان‌های دانش کمد می‌گفتند. سر ویلیام مور در سال ۱۵۵۶ در یادداشتی شخصی، وسایل کمدرش را برمی‌شمرد: «قشه‌های مختلف، تخته‌سیاه کوچک، یک تقویم ابدی، تخته مخصوص محاسبه، کیسه‌ای از شمارنده‌ها، مرکبان، صندوق‌های کوچک، مجموعه‌ای ترازو و وزنه، یک کره جغرافیایی، فیچی، قطب‌نما، قلم، چکش، جاقوی قلم تراش، خط‌کش یک‌فوتی و تعداد زیادی متون برگزیده انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی و لاتین» که احتمالاً از اکثر اینها با قفل و کلید مراقبت می‌کرده است.

کمد‌ها و گنج‌های وسایل و استودپولی که در داخلی‌ترین قسمت‌های خانه قرار می‌گرفتند «در دل فرهنگی سنتی و تودار از تولید و تبادل دانش جای داشتند. در این مکان‌ها نیز همانند کمد ملاقه‌های مدرم، ارتباطات شخصی تولید می‌شد: نامه، شعر، داستان و نمایشنامه در کمد‌ها نوشته و خوانده می‌شد و داروسازان، ماماها و فیلسوفان تجربی کتاب‌های راهنما و ابزار خاص خود را در کمد‌هایشان نگه می‌داشتند» و گونه‌های جدید چاپی – که خودا گاهانه مجموعه‌های افشاگر بودند- کمد (یا به طور دقیق‌تر، باز شدن آن به سوی عموم) را به منزله سبک خود انتخاب می‌کردند.

زمان‌های مختلف تعلق دارد.
نقل از: وب‌سایت ترجمان
/نوشته: شبنم مَرن / ترجمه: علیرضا شفیعی نسب / مرجع: places